

آموزش برای نسل جوان (شماره ۴)

در باره پایگاه اجتماعی و نظر سنجی های غیر علمی مقاومت تنها ملاک و شاخص مشروعیت در دوران اختناق

مسعود رجوی - مرداد ۱۳۹۲

صورت مساله، مقاومت کردن یا مقاومت نکردن در برابر این رژیم است و نه داعیه تعداد و درصد رأی در جامعه اختناق زده که قابل حصول و قابل اثبات نیست. تعیین درصد آراء و پایگاه اجتماعی موضوعی مربوط به دوره بعد از اختناق است که در آن بتوان با به میدان آوردن مردم و با صندوقهای رأی، بدرستی سنجش و ارزیابی کرد.

هر چیزی غیر از این، نادیده گرفتن سرکوب و اختناق و چشم پوشیدن بر ممانعت فاشیسم دینی از بروز اراده و تمایل اجتماعی است. این را نباید بر رژیم بخشید و نادیده گرفت و بعد به تئوری پردازی درباره درصد آرای یا پایگاه اجتماعی نشست. در شرایطی که حتی اسم بردن از مجاهدین و به طریق اولی، کوچکترین اشاره به هواداری از مجاهدین سنگین ترین محکومیت ها و مجازات ها را دارد و در شرایطی که رژیم دهها هزار نفر را به همین خاطر دستگیر و شکنجه و اعدام کرده است، چگونه می توان با یک نظر سنجی آزاد در بین مردم به درصد واقعی آرای مجاهدین دست یافت. اینجاست که روشن میشود تمام حرفهایی که منابع ارتجاعی و استعماری و همسویان و پادوهای آنها درباره پایگاه نداشتن مجاهدین در داخل ایران میگویند، بیراهه، باطل و دردستگاه نادیده گرفتن اختناق به سود آخوندهاست. مگر اینکه امکان ریختن رأی آزادانه به صندوقها فراهم شود.

مبانی مشروعیت و مرزهای سرخ مقاومت

مقاومت تنها ملاک و شاخص مشروعیت در دوران اختناق

آموزش برای نسل جوان (شماره ۴)

مسعود رجوی - مرداد ۱۳۹۲

کاش در میهن ستمزده ما اختناق آخوندی وجود نمی داشت و مردم می توانستند در یک انتخابات آزاد پای صندوق های رأی بروند و با رأی عمومی، مستقیم، مساوی و مخفی، نمایندگان و رئیس جمهور و قانون اساسی جمهوری جدید را معین کنند.

اما نخستین مشکل در دوران اختناق و دیکتاتوری سرقت و غصب حق حاکمیت و حق انتخابات آزاد از مردم است. اگر نخواهیم به این رژیم تن بدهیم و اگر آزادی و دمکراسی بخواهیم، چه باید کرد؟ مقاومت برای سرنگونی استبداد دینی و بازگرداندن حاکمیت و حق انتخابات آزاد به خلق.

در اولین ماده اساسنامه شورای ملی مقاومت که در پایان سال ۶۰ پس از اولین اجلاس شورا تصویب شده آمده است: «شورای ملی مقاومت برای سرنگونی رژیم خمینی و استقرار دولت موقت تشکیل شده است»

اما در برنامه شورا و دولت موقت که در بدو تاسیس شورا نوشته شده، ماده اول، اینست که این «دولتی است موقت، که اساسا وظیفه انتقال حاکمیت به مردم ایران و مستقر ساختن حاکمیت جدید ملی و مردمی را بعهده دارد»

در ماده ۲ میگوید: «این دولت مشروعیت خود را تماما از مقاومت عادلانه مردم ایران علیه رژیم ارتجاعی خمینی و خونبهای رشیدترین فرزندان مجاهد و مبارز این ملت علیه دیکتاتوری و وابستگی کسب می کند».

این جان کلام است. مشروعیت در دوران اختناق ناشی از مقاومت است و نه هیچ چیز دیگر. چرا که امکان انتخابات آزاد و دسترسی به رأی واقعی تمام مردم وجود ندارد و باید برای بدست آوردن آن برخاست و مقاومت کرد تا رژیمی که مانع انتخابات و آرای آزاد و حاکمیت مردم است سرنگون شود. برنامه و این مواد در ۵ مهر ۱۳۶۰ منتشر شد.

پس مقاومت تنها ملاک و شاخص و سرچشمه مشروعیت در دوران استبداد و اختناق است. ارزش و اعتبار هر فرد یا جریان سیاسی در دوران اختناق با مقاومت و ایستادگی او در برابر فاشیسم دینی و در جنگ با آن سنجیده می شود. مشخصا اینکه در جنگ نظامی و سیاسی و ایدئولوژیکی

تا کجا و چه میزان به دشمن ضد بشری ضربه می زند. تا کجا برای این رژیم خطرناک است و تا کجا به نیروی جنگنده ضد رژیم در جنگ نظامی یا در جنگ سیاسی یاری می رساند و مایه میگذارد.

وقتی شاخص مقاومت، بعنوان تنها ملاک و معیار واقعی به میان می آید، آنوقت خیلی پرده ها کنار میروند و حقیقت از پشت دود و دم های ارتجاعی و استعماری و اپورتوننیستی و ادعاهای میان تهی و همچنین ژستهای اپوزیسیون نمایانه در عین هم سوئی و خدمت به دشمن در ضدیت با اپوزیسیون واقعی، برملا میشود و با وضوح تمام خود را نشان میدهد:

اولاً- داعیه و دکان اینکه هر فرد یا هر نیرو در داخل ایران چند رأی دارد و از چه حمایتی برخوردار است، تخته میشود. آخر وقتی نمیتوان در یک انتخابات آزاد به آرای عمومی مراجعه کرد، فراتر از همه حدس و گمانها یا نظرسنجی ها چگونه میتوان بر روی میزان رأی و حمایت اجتماعی یک فرد یا جریان سیاسی، پا سفت کرد؟ بخصوص که فضای باز سیاسی هم مانند خارجه در کار نیست که بتوان در تظاهرات یا گردهمایی ها و حرکت ها و اقدامات سیاسی نمونه ها و نمادهای آنرا به چشم دید و به همه نشان داد.

نتیجه این که در برابر دستگاه ناسنجیدنی میزان آراء در دوران اختناق، مقاومت ملاک و مبنای واقعی و حقیقی سنجش است. بنابراین در دوران اختناق، مشروعیت صرفاً ناشی از مقاومت و ایستادگی است. در دوران اختناق هر چیز غیر از این، ادعا و باد و بلوف است. هر کس راست میگوید با رژیم و اختناق فراگیر آن چنگ در چنگ شود و بستیزد و در این پهنه آزمایش بدهد.

پس صورت مساله، مقاومت کردن یا مقاومت نکردن در برابر این رژیم است و نه داعیه تعداد و درصد رأی در جامعه اختناق زده که قابل حصول و قابل اثبات نیست. تعیین درصد آراء و پایگاه اجتماعی موضوعی مربوط به دوره بعد از اختناق است که در آن بتوان با به میدان آوردن مردم و با صندوقهای رای، بدرستی سنجش و ارزیابی کرد.

هرچیزی غیر از این، نادیده گرفتن سرکوب و اختناق و چشم پوشیدن بر ممانعت فاشیسم دینی از بروز اراده و تمایل اجتماعی است. این را نباید بر رژیم بخشید و نادیده گرفت و بعد به تئوری پردازان درباره درصد آرای یا پایگاه اجتماعی نشست. در شرایطی که حتی اسم بردن از مجاهدین و به طریق اولی، کوچکترین اشاره به هواداری از مجاهدین سنگین ترین محکومیت ها و مجازات ها را دارد و در شرایطی که رژیم دهها هزار نفر را به همین خاطر دستگیر و شکنجه و اعدام کرده است، چگونه می توان با یک نظر سنجی آزاد در بین مردم به درصد واقعی آرای مجاهدین دست یافت.

اینجاست که روشن میشود تمام حرفهایی که منابع ارتجاعی و استعماری و همسویان و پادوهای آنها درباره پایگاه نداشتن مجاهدین در داخل ایران میگویند، بیراهه، باطل و دردستگاه نادیده گرفتن اختناق به سود آخوندهاست. مگر اینکه امکان ریختن رأی آزادانه به صندوقها فراهم شود. یک بار در جریان کارزار برای لغو برجسب تروریستی، یک نماینده کنگره از نماینده وزارت خارجه که مدعی بود مجاهدین در داخل ایران پایگاهی ندارند، پرسید، شما این را از کجا و بر چه اساسی میگویید؟ طرف مقابل گفت از کسانی که برای درخواست ویزا به سفارتهایمان می آیند سوال میکنیم. آن نماینده گفته بود آخر خودتان لیست گذاری کرده اید و اگر کسی بگوید موافق یا هوادار مجاهدین است ویزا نمی دهید و انتظار دارید کسی که برای گرفتن ویزا آمده از ابتدا با اعلام هواداری از مجاهدین ویزایی را که میخواهد، بسوزاند؟!

در دستگاه مقاومت در ابتدای سال ۱۳۶۱، پس از اولین اجلاس شورا، من توضیح دادم که فایده مبرم «هر کس یک رأی» در داخل شورا و عمر ۶ماهه دولت موقت و شورای ملی مقاومت از جمله این است که:

«ما را اساساً از ورود در مباحث من چند رای؟ و تو چند رای؟ [در داخل ایران] و همه عواقب زیانبار احتمالی آن بر علیه جنبش و بر علیه آلترناتیو بی نیاز میکند».

همچنین یادآوری کردم: «از خود من نیز تاکنون صدها بار بطور شفاهی و کتبی پرسیده اند که فی المثل فلان سازمان یا نیروی عضو شورا "چند نفر" است یا "چه کاری از آن بر می آید؟" اما «ما با پذیرش یک رأی متساوی برای همه ی سازمان ها و گروههای عضو شورا این مشکل را نیز اساساً از موضوعیت انداختیم.....»

فکر می کنم دیگر مطالبی از این قبیل که هر سازمانی چند نفر است و چه تعداد هوادار دارد و.. موضوعیتی برای طرح و ایجاد مشکل و سوء تفاهم، نخواهد داشت. بعبارت دیگر، شورا - به شرط التزام نیروهای مستقل (ناوابسته) به برنامه و مصوباتش - بطور عام به همه ی گرایشات و تمایلات ملی، مردمی، ترقیخواهانه، انقلابی، اسلامی و غیر اسلامی خوش آمد گفته و صرفنظر از عدد و رقم و تعداد و توانایی سیاسی یا نظامی آنها، در حیطه ی تصمیمات شورا برای آنها، حق رأی و نظردهی متساوی قائل شده است».

می بینید که در دستگاه مقاومت نه جایی برای ادعا و لاف و گزاف باقی می ماند و نه جایی برای تخطئه کردن مقاومت واقعی در برابر فاشیسم دینی.

ثانیاً - در دستگاه مقاومت، نمیتوان ۳۰ سال یا ۳۲ سال بعد از ۳۰ خرداد که مجاهدین راه سرنگونی را با رود خروشان خون شهیدان بازگشوده اند، در دور دستها بیتوته کرد و با عنوان پناهندگی سیاسی، تمام هم و غم خود را صرف زدن زیرآب آنها کرد و یک سس "سرنگونی" هم روی آن مالید و در امر خطیر سرنگونی رژیم ولایت فقیه، «آنا شریک» گفت و بعد بی محابا در خدمت به همین رژیم در پوشش «آزادی انتقاد»، به شلاق کش کردن و ذبح نیروی محوری مقاومت پرداخت.

ثالثاً - در دوران اختناق، دستگاه مقاومت تنها دستگاہی است که اعتماد واقعی بر می‌انگیزد. اعتماد یک امر ذهنی یا صرفاً روانشناسانه نیست. همه مجاهدین و رزمندگان ارتش آزادیبخش به خوبی میدانند که «اعتماد کسب کردنی است». آن را باید در مبارزه سیاسی و نظامی و ایدئولوژیکی ذره ذره و گام به گام بدست آورد. هیچکس در مجاهدین و ارتش آزادی نیست که این را نداند و در بحث های سالیان نشنیده باشد که فی المجلس نباید انتظار اعتماد داشت. درست بهمین دلیل، هر چند هم دشمن و ایادی آن علیه شما بگویند و بگویند باز هم به دلیل عمل مجاهدی و مبارزاتی خود تا امروز از اعتمادی بی همتا برخوردارید که البته مسئولیت ما را برای حفظ و نگهداری و ارتقای آن مضاعف میکند.

گاه یاران و هموطنانمان لطف و محبت و چشمه هایی از پاکیزه ترین عواطف نثار میکنند که همگی و بخصوص خود من واقعاً و بدون مبالغه شرمسار و در خجالت غرقه میشویم. مجاهدین آموخته اند که در چنین لحظاتی در دل نجوا کنند و از خدا با استغفار بخواهند که آنها را شایسته این اعتماد و این عواطف سرشار نماید.

رابعاً - تنها در دستگاه مقاومت است که هر فرد یا نیرو، در جای خود قرار میگیرد.

بسته به ماهیت و توان مبارزاتی و مقاومتش در برابر ترفند ها و چنگ اندازی های دشمن تعالی پیدا می کند و در مبارزه هر چه مؤثرتر می شود. به دشمن و عوامل آن ضربات هر چه کاری تر وارد می کند و در اطراف خود، محیطش را هم دگرگون و بارور می کند.

در طرف دیگر، مشت ها و چننه های خالی هم دیر یا زود باز و عیان می شود. چرا که دشمن از این دستگاه بالاترین خطر را احساس میکند. در مورد یکایک اعضا و اجزاء و یاران و پشتیبانان آن، طرح و برنامه دارد تا آنها را چگونه و از چه طرق مستقیم یا غیر مستقیم به دام بیندازد، جدا کند، ببراند، مورد استفاده قرار دهد و بر سر ما چماق یا بلندگو یا تیغ و تبر کند.

xxxxx

دستگاه شما، سنگ بنای دستگاه شما، و سرچشمه دستگاه سیاسی شما، مقاومت در برابر فاشیسم دینی بوده است. تکرار روزمره این مفهوم که قلۀ آن ایستادگی خودتان در اشرف و لیبرتی است، ممکن است عادی جلوه کند و گوش به آن عادت کرده باشد. اما اگر به عمق برویم، پرده ها کنار می رود. خیلی دکانها تخته می شود و همه برچسبها می سوزد. جایی برای سفسطه و مغلطه و هوجبگیری باقی نمی ماند و خیلی چیزها روشن می شود:

- دیگر کسی نمیتواند زیر قبای ولایت، تحت عنوان مخالف رژیم یقه ملا را رها نموده و پاچه مجاهدین را بگیرد! به این قبیل افراد بگویند اگر راست میگوی ریش ملا را بگیر!

- دیگر کسی نمی تواند زیر لحاف اختناق ملا، این ساز را بزند که مجاهدین در داخل ایران پایگاه و حمایت ندارند و هر چه هست در خارج است! - دیگر تئوری پردازان و مستخدمان نظرگاههای ارتجاعی و استعماری نمی توانند در حالیکه پاسداران و شورای نگهبان ارتجاع را به چشم می بینند، برای نمایش انتخابات نامشروع، برای آخوند خاتمی و برای آخوند روحانی آرای میلیونی بسازند و یک دستگاه باسمه ای « رای و حمایت» روی پایه های اختناق و ظلمت بنا کنند. آنها میخواهند حرفی از سرنگونی نباشد، حرف از ارتش آزادی و مجاهدین نباشد و توی همین رژیم دنبال میانه رو یا اصلاح طلب بگردند. میخواهند مجاهدین و آلترناتیو شورا را هم از سر راه بردارند. این تئوری ارتجاعی و استعماری که در دوران اختناق مقاومت را نادیده میگیرد، کوک و تنظیم شده است برای اینکه بگویند همین رژیم و جناح های درونی آن و لاغیر چون که شما در داخل حمایت ندارید! چشم دیدن فهرست شهیدان را هم ندارند. حملات و هیستری فوق تصور رژیم علیه شما را هم به چیزی نمی گیرند و می گویند مجاهدین آنقدر بد هستند که رژیم هر چیز بدی را برای دور کردن از خودش به آنها نسبت می دهد! کاسه داغتر از آش را می بینید؟

ارتجاع و استعمار یک مشت روشنفکرنا هم دارند مثل آن ۳۷ نفر از قبیل آخوند کدیور که حتی وقتی وزارت خارجه آمریکا بالاجبار میخواست مجاهدین را از لیست در بیاورد، جیغ و داد میکردند که مبادا اینها را از لیست در بیاورید، نیروهای دمکراتیک در ایران تضعیف می شوند! البته دیدیم که چهل و چند نفر از نویسندگان و هنرمندان و شعرای ملی ایران، خودشان بدون ارتباط با مجاهدین، اطلاعیه دادند و گفتند بس کنید. وقتی که اشرفی ها زیر تیغ هستند، این دیگر جنایت است....

البته کسانی که پشت صحنه، سر نخ ها را بدست دارند، خوب حالیشان است که چه می کنند. همان غولهای نفتی و امثال جک استراو و همان کسانی که برای پوشاندن فضحیت عراق، حتی در ابتدای سال ۲۰۰۹ برای اینکه رژیم بمب چسبنده به ایشان نچسباند، به برجسب تروریستی علیه مجاهدین ادامه دادند.

همچنین در نظرگاه و دستگاه مقاومت، همچنانکه در ۳۲ سال گذشته به اثبات رسیده است، شک نکنید که هیچ کس و مطلقاً هیچ کس، محض رضای خدا پاچه مجاهدین را نمی گیرد. باید دید آیا چک سفید یا سیاهی در کار است؟ آیا موضوع اموال و زمین و مستغلات یا امتیازات اقتصادی دیگر در کار است؟ آیا در این میان ریش گروبی و گروگانی موجود است؟ خلاصه باید دید چه بده و بستانی انجام شده است. بهر حال آنچنان که آن زندانی سیاسی فاش کرد برای وزارت دو تا فحش هم به سازمان مجاهدین غنیمت است چه رسد که به خون آنها هم تشنه باشی!

بنابراین اگر یک وقت دیدید خصومت و ضدیت بی محابا بر روی مجاهدین و شورای ملی مقاومت ایران فوران کرد و رسانه ها و مأموران رژیم دم گرفتند، بدانید که بحث و جدل سیاسی و تئوریک فایده ندارد. باید اصل موضوع یعنی علت اصلی خصومت و تخطئه و تضعیف نیروی جنگنده ضد رژیم و ضربه زدن به آن سربزنگاهها را پرسید که مدعی از گفتنش پرهیز دارد. باید پرسید مجاهدین که از قدیم به اندازه کافی بد و «آخ» بودند و هستند و تحمل می کردید، پس بگو ببینیم چه چیز جدید است و جدیداً چه شده و چه عاملی باعث فوران ضدیت و خصومت با مجاهدین شده است؟!

اینجاست که واقعاً اگر پای رژیم، مستقیم یا غیر مستقیم، بی واسطه یا با واسطه در کار نباشد، پس ما با جهل مرکبی روبرو هستیم که از آدم سیاسی بسا به دور است. در اینصورت «الاحقر» پیشاپیش، از کسانی که محض رضای خدا و بی اجر و مزد و بدون ما به ازاء، از سر جهل و نادانی با مجاهدین و مقاومت ایران به خصومت بر می خیزند، یک صد بار معذرت می خواهم و پوزش می طلبم. اما پیشنهاد می کنم در کلاس های «اکابر» سیاسی الف بای مقدماتی مربوط به این رژیم و جنگ فراگیر آن با شورا و مجاهدین را فرا بگیرند!

خلاصه کنم: حل المسائل ما و خلق ما در کشاکش های سیاسی، که هم راهنما و هم گره گشاست، مقاومت بعنوان تنها ملاک و معیار و تنها شاخص مشروعیت در دوران اختناق و استبداد دینی است، صرفاً از این طریق میتوان در برابر فاشیسم مذهبی به آزادی و رأی آزادانه مردم دست یافت.

همه برای آزادی

هزار اشرف می سازیم

مریم رجوی - ۶ تیر ۱۳۹۳

حقیقت این است حقیقت این است که موتور محرک و نیروی اصلی سمت دهنده اوضاع، کشاکش میان رژیم و آمریکا در پرونده اتمی یا جدال میان دو جناح حاکم رژیم نیست. نبرد اصلی، میان مردم و مقاومت ایران با رژیم ولایت فقیه بوده، هست و خواهد بود.

مقاومتی که در دل زندانهای سیاسی، کانونهای شورش و اعتراض برپا می کند، مقاومتی که آنتی تز تروریسم و صدور بنیادگرایی است. مقاومتی که مجاهدان پاکبازش، در سخت ترین شرایط، پایداری تاریخی بی نظیری را ارائه کرده اند.

اینها به گویاترین صورت، توانایی و ظرفیت مردم ایران و مقاومت سازمان یافته آنها را برای تغییر رژیم، نشان می دهد.

به قول مسعود مقاومتی که «صلح و امنیت و دموکراسی و حقوق بشر و ثبات و سازندگی و یک ایران غیر اتمی را در این منطقه از جهان پیشنهاد می کند.» آری، مقاومتی که طی ۳۳ سال، از کوره گدازان همه آزمایشها، عبور کرده است، قطعاً می تواند به مقصد آزادی و حاکمیت مردم دست یابد. بله می توان و باید.

هموطنان

رژیم آخوندی در داخل و خارج ایران به توطئه ها و اقدامات گسترده علیه مجاهدین و مقاومت ایران دست می زند.

از جمله هزاران نوشته، صدها کتاب، دهها فیلم و سریال تلویزیونی و صدها نمایشگاه علیه مجاهدین و این مقاومت. راستی اینها برای چیست؟ به خاطر این است که از محبوبیت و اثرگذاری همین مقاومت، می ترسند. با وجود این همه ترس و وحشت، اما آخوندها مدعیند که این مقاومت در داخل ایران پایگاهی ندارد.

پاسخ ما این است: آزادی و امنیت اعضا و هواداران این مقاومت را تأمین کنید تا یک راهپیمایی در خیابانهای تهران برگزار کنند، آن وقت می بینید که چگونه سرپای رژیمتان را در می نوردند.